

نامه

دکتر کریمی پور یکی از استادان مورد علاقه‌ی من است و من از ایشان چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام. هر جا که لازم بوده ایشان با سعه‌ی صدر به کمک من آمده‌اند. ایشان یک دوست و معلم بسیار خوب برای من بوده‌اند. با وجود علاقه‌ی زیادی که به ایشان به عنوان یک دوست و معلم دارم، وقتی متن مصاحبه‌ی ایشان را در گاما خواندم، به نظر آمد که چند انتقاد به صحبت‌های ایشان وارد است.

اصولاً بعضی از آدم‌ها، و نه فقط دکتر کریمی پور، فکر می‌کنند بیان حقیقت لُخت در مورد بعضی چیزها باعث سرخورده‌گی و ایجاد کدورت بین آدم‌ها می‌شود. تجربه‌ی من از دکتر کریمی پور خیلی کمتر است، اما فکر می‌کنم در یک جامعه‌ی بدون غرض حرفها باید صریح زده شود، و بزک کردن آنچه فکر می‌کنیم، موجب مشکلاتی می‌شود که برای حل آنها مجبور ایم سختی‌های بیشتری را تحمل کنیم، و چه بسا بعضی از آنها لاینحل بماند. یک انتقاد صریح خیلی سالم‌تر از در پرده حرف زدن و امیدوار بودن به این که مرور زمان همه چیز را حل می‌کند است. به طور خاص به این موارد می‌پردازم.

(۱) در مورد برنامه‌ی دکتری پیوسته گفته شده این برنامه‌ی بسیار خوبی است چون برای رفع نواقص نظام کنونی آموزش فیزیک نوشته شده، اما در دانشکده‌ی فیزیک دانشگاه صنعتی شریف متوقف شد چون این دانشکده ظرفیت اجرای دو برنامه‌ی همزمان و متفاوت در سطح کارشناسی ارشد را نداشت و از قبل هم دانشجویهای خوب می‌توانستند از برنامه‌های تحصیلات تکمیلی استفاده کنند. آیا قبل از اجرا نمی‌شد فهمید که دانشکده‌ی فیزیک ظرفیت اجرای همزمان دو برنامه در سطح کارشناسی را ندارد؟ و مگر تصمیم به اجرای این برنامه در خارج از دانشکده‌ی فیزیک گرفته شده بود؟ ضمناً اگر دانشکده‌ی فیزیک دانشگاه صنعتی شریف ظرفیت اجرای چنین برنامه‌ای را ندارد، آیا نباید ظن برد که اجرای چنین برنامه‌ای اصولاً کار بسیار دشواری است، و آرزوی موفقیت برای مؤسسه‌ی دیگری که دارد که این برنامه را اجرا می‌کند - بر اساس اطلاعاتی است که دکتر کریمی پور از آن مؤسسه دارد - نوعی تعارف نیست؟

(۲) در مورد مدیریت نسل قبل، دکتر کریمی پور یک جا می‌گوید من اگر یک مؤسسه با استانداردهای متفاوت ساخته بودم حقوق خودم را به تساوی با جوانانی هرچند مستعد که به استخدام مؤسسه در آمده‌اند واگذار نمی‌کردم، و می‌گویند توقع نوعی حق پیشکسوتی برای این بنیان‌گذارها بجا است؛ بعد می‌گویند البته این حقوق تنها به واسطه‌ی بنیان‌گذاری به پیشکسوت‌ها تعلق می‌گیرد و در موارد دیگر دلیلی برای حقوق ویژه‌ی مدیریتی برای پیشکسوت نیست. چند صفحه قبل هم در مقایسه‌ی روش‌های تصمیم‌گیری در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و دانشگاه صنعتی شریف، از تصمیم‌گیری بر اساس ملاک‌های مجرد و جدول‌های از پیش تعیین شده حمایت می‌کند. از جمع این‌ها نمی‌فهمم بالأخره این

حق پیشکشوتی بی که دکتر کریمی پور برای بنیان گذاران قائل است چیست؟ مگر تصمیم گیری در یک مؤسسه‌ی علمی چیزی جز ارزیابی افراد و گروه‌ها و تصمیم به گسترش یا محدود کردن بعضی زمینه‌ها بر اساس آن ارزیابی‌ها است؟ اگر قرار باشد این کار مکانیکی باشد (چنان که دکتر کریمی پور می‌گوید) چه چیزی باقی می‌ماند که دکتر کریمی پور اگر بنیان گذار مؤسسه‌ای می‌بود نمی‌خواست آن را با جوان‌ها تقسیم کند؟ منظور از حقوق پیشکشوتی، فقط بلندشدن جوان‌ها جلوی پیشکشوت‌ها است؟

۳) دکتر کریمی پور در جواب به سؤال علت قطع هم‌کاریش با پژوهشگاه دانش‌های بنیادی می‌گوید از اول از این که بین دانشگاه و پژوهشگاه رفت و آمد کند در عذاب بوده است و از این که حالا مرتباً در دسترس دانشجویها است خوشحال است. گویی کسی دکتر کریمی پور را به زور وادار کرده بوده برود پژوهشگاه، و او که اصولاً دوست داشته در دانشگاه کار کند نزدیک به ده سال عذاب کشیده تا آن زور بر طرف شده و بلافاصله برگشته دانشگاه و از آن به بعد همه‌ی وقتش را در دانشگاه صرف کرده. البته خیلی‌ها این را می‌دانند که پس از آن برداشته شدن زور هم دکتر کریمی پور بخش مهمی از وقتش را در خانه می‌گذراند نه در دانشگاه. حتی از او انتقاد می‌کردند که می‌آید درسش را می‌دهد و می‌رود، همان انتقادی (تنها انتقادی) که به نسل قبل وارد می‌کند. حالا است که ایشان بیشتر وقتش را در دانشگاه می‌گذراند. پس این که چون من دوست داشتم فقط در دانشگاه باشم از خروج از پژوهشگاه استقبال کردم به چه معنی است؟ این که آدمی مثل دکتر کریمی پور علی‌رغم میل خودش ده سال مجبور باشد بین دانشگاه و پژوهشگاه رفت و آمد کند پذیرفتنی است؟ این چه قدرتی بوده که او را به این کار واداشته؟

دکتر کریمی پور کسی نیست که متوجه نشده باشد این گفته‌ها کنار هم عجیب اند. پس چرا این حرف‌ها را می‌زند؟ آیا می‌خواهد چیزهایی را پنهان کند؟ می‌خواهد جلوی ناامید شدن دانشجویها را بگیرد؟ من به عنوان یک شاگرد کم‌تجربه‌ی ایشان فکر می‌کنم که بی‌غرض بودن و دیدن مشکلات همان جور که هستند و سعی صادقانه برای برطرف کردن آنها است که باعث امیدوار شدن نسل جدید فیزیک‌خوان‌ها می‌شود. همین.

فریناز روشنی

farinaz@iasbs.ac.ir